

### یادداشت

#### سوریه یک‌سال پس از سقوط اسد

**سیدمحمد شفیعی**

**کارشناس روابط بین‌الملل**

سوریه از زمان آغاز جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱ تا دسامبر ۲۰۲۴ یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین بحران‌های انسانی، امنیتی و اقتصادی عصر جدید را تجربه کرد. بحران طولانی مدت نه‌تنها ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشور را ویران کرد بلکه میلیون‌ها نفر را مجبور به ترک خانه‌های خود ساخت. طبق گزارش سازمان‌های بین‌المللی، تا پایان سال ۲۰۲۴ بیش از ۱۳ میلیون سوری آواره شده بودند از این میان حدود ۷،۴ میلیون نفر در داخل کشور جابه‌جا شده و ۶٫۱ میلیون نفر به‌عنوان پناهنده در دیگر کشورها زندگی می‌کردند. این شرایط که بیش از یک دهه ادامه داشت، کشور را به آستانه فروپاشی کامل رسانده بود. در ۸ دسامبر ۲۰۲۴، با حمله سریع مخالفان، حکومت بشار اسد سقوط کرد و احمد الشرع به‌عنوان رئیس‌جمهوری دولت انتقالی منصوب شد. این تحول سیاسی نقطه عطفی در تاریخ معاصر سوریه به‌شمار می‌رود، زیرا کشور را از یک فاز جنگ رسمی به مرحله‌ای از گذار سیاسی و بازسازی نسبی وارد کرد. با این حال، چالش‌های ساختاری، ضعف نهاده‌ها، شکاف‌های اجتماعی و مشکلات امنیتی باعث شده‌اند که این گذار همچنان شکننده و پرفرازونشیب باشد. از نظر امنیتی، وضعیت سوریه در دوره پایانی حکومت اسد را می‌توان مرحله جنگ بی‌امان و فروپاشی کامل نظم عمومی دانست. در این دوره، خشونت گسترده، بمباران‌ها، درگیری‌های متنوع شهری، حضور بازیگران خارجی و گسترش گروه‌های افراطی امنیت ملی را به‌طور کامل متلاشی کرده بود. برآورد‌ها از کشته شدن بیش از ۶۱۸ هزار نفر طی جنگ حکایت دارد و بیش از دو سوم جمعیت کشور به‌طور مستقیم تحت تأثیر خشونت قرار گرفته بودند. مناطق شمالی و شرقی کشور اغلب در کنترل گروه‌های جهادی، مخالفان مسلح و شبه‌نظامیان قرار داشت و دولت مرکزی تنها بر بخش‌هایی محدود، آن هم با اتکا بر حمایت خارجی، تسلط داشت. امنیت عمومی در این دوره تقریباً وجود خارجی نداشت و نابسامانی، بمباران‌ها، آوارگی و عدم حضور حکومت مؤثر ویژگی غالب صحنه میدانی بود. اما پس از سقوط اسد و روی کار آمدن دولت انتقالی احمد الشرع، شکل جنگ رسمی خاتمه یافت و بسیاری از جبهه‌های گسترده نظامی فروکش کردند. با این حال، پایان جنگ به معنای آغاز ثبات نبود. امنیت ملی پس از سقوط رژیم همچنان حالت شکننده و بی‌ثباتی دارد. خشونت‌های پراکنده محلی، تنش‌های فرقه‌ای، رقابت بین گروه‌های شبه‌نظامی و کشمکش‌های سیاسی در مناطقی چون سویدا، درعا و بخش‌هایی از شمال سوریه همچنان ادامه دارد. افزون بر این، مین‌ها و مهمات منفجرنشده در مناطق شهری و روستایی تهدیدی جدی برای جان غیرنظامیان و بازگشتی‌ها به‌شمار می‌روند. بنابراین، اگرچه جنگ فراگیر پایان یافته، اما امنیت پایدار و فراگیر در بسیاری از مناطق کشور شکل نگرفته و دولت جدید هنوز در حال تلاش برای تثبیت ساختارهای امنیتی خود است. در حوزه سیاسی، دوران حکومت بشار اسد نمایانگر یک الگوی اقتدارگرایی شدید و تمرکز مطلق قدرت بود. در این دوره، احزاب سیاسی واقعی اجازه فعالیت نداشتند، رسانه‌ها تحت سانسور و کنترل شدید قرار می‌گرفتند و هرگونه مخالفت سیاسی با مدنی به شدت سرکوب می‌شد. مشروعیت حکومت در سطح داخلی و بین‌المللی به شدت تضعیف شده بود و ساختارهای سیاسی ناکارآمد با استفاده از ابزار سرکوب و شبکه‌های امنیتی به حیات خود ادامه می‌دادند. بحران مشروعیت، شکاف‌های قومی و فرقه‌ای و فقدان نهادهای سیاسی مستقل، مجموعه‌ای از مشکلات ساختاری را تشکیل می‌دادند که با طولانی شدن جنگ تشدید شدند. با آغاز دوره احمد الشرع، ساختار سیاسی سوریه وارد مرحله‌ای جدید شد. دولت انتقالی فرآیند تدوین قانون اساسی جدید، ایجاد نهادهای موقت و بازسازی چارچوب سیاسی کشور را آغاز کرد. فضای سیاسی نسبت به قبل بازتر شده و رسانه‌ها آزادی نسبی بیشتری تجربه می‌کنند. همچنین تلاش‌هایی برای مشارکت دادن گروه‌های مختلف قومی، مذهبی و اجتماعی حداقل در سطح نمادین انجام شده است. با این حال، این گذار هنوز بسیار ابتدایی و نهادهای سیاسی جدید بسیار شکننده‌اند. گروه‌هایی مانند کردها همچنان نسبت به سهم خود در ساختار قدرت ناراضایی دارند. موضوع عدالت انتقالی، نحوه مواجهه با جنایات جنگی و مسئله مالکیت و آوارگی نیز از اصلی‌ترین چالش‌هایی است که تعیین‌کنندگی آن در آینده‌ای نزدیک مشخص خواهد شد. بنابراین، وضعیت سیاسی جدید را نه می‌توان دموکراسی دانست و نه استمرار اقتدارگرایی سابق بلکه باید آن را مرحله‌ای پیچیده و چندلایه از گذار به ساختارهای جدید توصیف کرد. در حوزه اجتماعی، پیش از سقوط اسد، سوریه با یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های انسانی در جهان روبه‌رو بود. حدود ۱۶٫۷ میلیون نفر تا پایان ۲۰۲۴ به کمک‌های بشردوستانه نیازمند بودند. ناامنی غذایی گسترده بود و حدود ۱۲٫۹ میلیون نفر غذای کافی برای بقا در اختیار نداشتند. بیش از ۴٫۶ میلیون کودک از تحصیل بازماند و ۹۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کردند.

این بحران اجتماعی، همراه با تخریب زیرساخت‌ها، فروپاشی خدمات عمومی و نابودی نهاد‌های اجتماعی، شرایطی ایجاد کرده بود که زندگی عادی تقریباً غیرممکن شده بود. در مجموع، مقایسه دو دوره نشان می‌دهد که سوریه از مرحله جنگ تمام‌عیار و فروپاشی ساختاری به مرحله گذار سیاسی و امنیتی وارد شده، اما این گذار با چالش‌های گسترده‌ای همراه است. پایان جنگ به معنای آغاز ثبات نیست و بازسازی اقتصاد ادامه‌یافتنی، احیای نهادهای سیاسی و بازسازی اقتصادی در زمان طولانی، سرمایه‌عظیم و حمایت بین‌المللی نیازمند است. با وجود این، روند‌های اجتماعی همچون بازگشت آوارگان و نشانه‌های محدود رشد اقتصادی نشان می‌دهد که مسیر گذار، هرچند دشوار، آغاز شده است. آینده سوریه بسته به میزان موفقیت دولت انتقالی در تدبیرت امنیت، ایجاد نهادهای سیاسی پایدار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و حل مشکلات انسانی گسترده تعیین خواهد شد.

# آرمان‌ملی

**دکتر تقی آزادارمکی در گفت وگو با «آرمان ملی»:**

## مسئولان

## خطاهایشان را

## پذیرند



**جامعه ایران با وضعیت بی‌عملی مواجه شده است**

**هیچ‌کس مسئولیت اقدامات خود را نمی‌پذیرد**

**آرمان ملی** – احسان انصاری: دکتر تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس مهمان «آرمان ملی»، بود و در گفت‌وگویی که با ما داشت با تحلیل وضعیت موجود جامعه مهم‌ترین شاخص‌های چشم‌اندازهای جامعه ایران را بررسی کرد. آزاد ارمکی معتقد است: «بحران‌های هم‌تراز امروز می‌توانند زمینه‌های تغییر را به وجود بیاورد. تغییر نیز به این معنا است که جمهوری اسلامی را با ارجاع این بحران‌ها خود را بازسازی کند و صورت بندی جدید به وجود بیاورد تا ما وارد جمهوری اسلامی

**تفسیری که در سال ۵۷ از انقلاب اسلامی صورت می‌گرفت چه تفاوت‌هایی با امروز کرده است؟**

من یک فرضیه دارم و معتقدم انقلاب اسلامی در ۲۳ بهمن سال ۵۷ تمام شد و نه آغاز. البته این نظر شخصی بنده است و هر کسی می‌تواند بآن موافق یا مخالف باشد. من روز انقلاب‌ها را روز پایان آنها می‌دانم و نه روز آغاز آنها. آن چیزی که پس از این تاریخ رقم می‌خورد برپایی نظام سیاسی مبتنی بر اهداف و آرمان‌های انقلاب سال ۵۷ است. به همین دلیل پس از انقلاب اسلامی ما با پدیده‌ای به نام جمهوری اسلامی مواجه می‌شویم. درسال‌های پس از انقلاب نیز برخی به دنبال تبیین انقلاب اسلامی بودند و برخی دیگر جمهوری اسلامی.

**چرا بین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تفاوت می‌بینید؟**

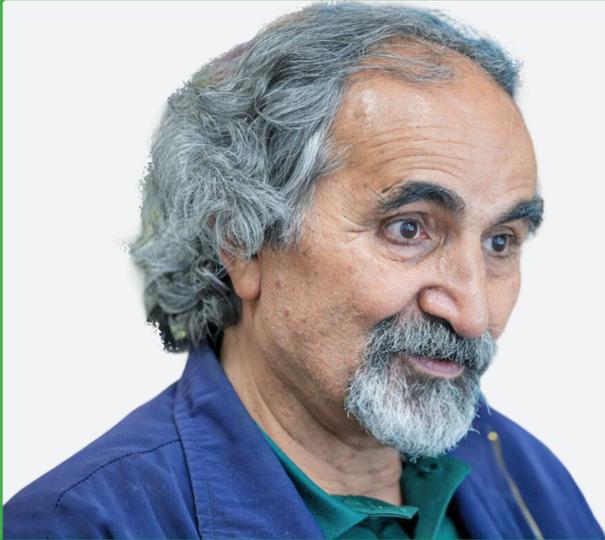
انقلاب اسلامی به شرایط پیشین باز می‌گردد اما جمهوری اسلامی به شرایط پسین. آن چیزی که پس از انقلاب اسلامی در ایران رخ می‌دهد تاریخ جمهوری اسلامی است و نه تاریخ انقلاب اسلامی. همه آن چیزی که در سال‌های پس از انقلاب در ایران رخ داد در راستای تقویت سازه جمهوری اسلامی بود.

**به هر حال مولفه‌های انقلاب اسلامی همان مولفه‌های جمهوری اسلامی است. چرا تکنیک قائل می‌شوید؟**

الزاماً به این شکل نیست. جمهوری اسلامی در ادامه انقلاب اسلامی طراحی شده اما مانند آن نیست. مولفه‌هایی که در انقلاب اسلامی وجود دارد مبتنی بر مشارکت همه در تصمیم‌گیری‌ها، وحدت جامعه، عدالت اجتماعی، دموکراسی، برابری از جمله سئوالی است که در انقلاب اسلامی وجود دارد و به صورت فراگیر دنبال می‌شد. این در حالی است که جمهوری اسلامی به این مولفه‌ها ارجاع می‌کند اما در عمل به دنبال برپایی سازه جمهوری اسلامی است. در واقعیت نیز نظامی برپای می‌شود که در برخی مواقع از این مولفه‌ها فاصله می‌گیرد. به عنوات مثال توجه به مسئله مردم در تصمیم‌گیری از آنچه در انقلاب مطرح شده فاصله می‌گیرد. آنچه در جمهوری اسلامی رخ می‌دهد از سراسر اضطرار دموکراسی است که به شکل انتخابات بروز می‌کند. انتخابات که دموکراسی نیست. این وضعیت درباره هر جنبه‌ای وجود دارد و جمهوری اسلامی از سراسر اضطرار به عدالت اجتماعی تن می‌دهد. نکته دیگر اینکه یکی از اهداف اصلی انقلاب سال ۵۷ توسعه بود اما این موضوع در جمهوری اسلامی در دستور کار قرار نداشته است. پس از انقلاب باید جامعه موضوعیت پیدا می‌کرد و نه خودی و غیر خودی.

**جمهوریت در جمهوری اسلامی یکی از مولفه‌های مهم بوده است. این نوع جمهوریت نیز با دموکراسی مورد نظر انقلاب فاصله داشته است؟**

جمهوری اسلامی جمهوریت را به انتخابات تقلیل داده است. انتخابات نیز یک بازی سیاسی برای پایان دغدغه‌های دموکراتیک در جامعه است. آنچه در ایران در دهه‌های گذشته رخ داد این بود که برای مدتی جامعه را تعطیل کردیم تا انتخابات ریاست جمهوری برگزار کنیم و به محض اینکه انتخابات برگزار کردیم درباره همه چیز به حالت اول بازگشت تا



**سوم شویم. همه چیز در جمهوری اسلامی در حال رقم خوردن است و تحولات ارتباط کمتری با انقلاب اسلامی دارد. به همین دلیل نیز باید به سمتی حرکت کرد که برخی بحران‌ها در کشور ظهور نکنند. چرا باید کشور از پروسه توسعه خارج شود؟ ما باید بازگردیم و هنگامی که این اتفاق رخ داد می‌توان امیدوار بود که تغییرات در خیلی از مسائل جمهوری اسلامی به وجود بیاید». در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.**

**چه نوع جمهوری اسلامی و با چه تفاوت‌هایی؟**

من انقلاب اسلامی را پایان یافته و جمهوری اسلامی را برپا شده می‌دانم و معتقدم جمهوری اسلامی می‌تواند در موقعیت‌های جدید خود را بازسازی کند و به شکل‌های مختلف تغییر کند. با این وجود در شرایطی که کشور با بحران‌های متعدد مواجه شده امکان عمل برای کسی فراهم نیست. شرایط نباید به شکلی باشد که اگر یک دانشمند و صاحب نظر علمی اظهار نظر کرد، تنبیه شود اما کسانی که شارات بازی در می‌آورند و بازی‌های سیاسی را صورت بندی می‌کنند از آزادی عمل برخوردار باشند. بحران‌های هم‌تراز امروز می‌توانند زمینه‌های تغییر را به وجود بیاورد. تغییر نیز به این معناست که جمهوری اسلامی را با ارجاع این بحران‌ها خود را بازسازی کند و صورت بندی جدید به وجود بیاورد تا ما وارد جمهوری اسلامی سوم شویم. همه چیز در جمهوری اسلامی در حال رقم خوردن است و تحولات ارتباط کمتری با انقلاب اسلامی دارد. به همین دلیل نیز باید به سمتی حرکت کرد که برخی بحران‌ها در کشور ظهور نکنند. چرا باید کشور از پروسه توسعه خارج شود؟ ما باید بازگردیم و هنگامی که این اتفاق رخ داد می‌توان امیدوار بود که تغییرات در خیلی از مسائل جمهوری اسلامی به وجود بیاید.

**آیا شرایط امروز جامعه ایران به شکل‌گیری جمهوری اسلامی منجر می‌شود؟ چنین ظرفیتی رادر جامعه می‌بینید؟**
فروپاشی و سقوط مسأله کوچکی نیست و ممکن است پیامدهای غیر قابل پیش‌بینی داشته باشد. امروز مردم جامعه در شرایطی قرار دارند که به دنبال انقلاب و فروپاشی نیستند اما وضعیت موجود را نمی‌پذیرند و خواهان تغییر هستند. اتفاقی رخ داده این است که لحظات درخشانی که می‌توانسته فروپاشی رخ دهد مردم دست به این کار زده‌اند. نمونه بارز آن جنگ ۱۳ روزه است که مردم می‌توانستند فروپاشی را کلید بزنند اما این کار را نکردند. مردم خواستار این هستند که مسئولان جمهوری اسلامی رفتار و نوع تصمیم‌گیری خود را تغییر دهند و از کلیشه‌هایی که برای خود ساخته‌اند عبور کنند.

**شما عنوان می‌کنید جمهوری اسلامی از پروسه توسعه خارج شده، مردم به سمت فروپاشی نمی‌روند و در عین حال وضعیت موجود را نمی‌پذیرند. این وضعیت جامعه ایران را دچار بی‌عملی نکرده است؟ ادامه چنین روندی به چه وضعیت منجر خواهد شد؟**

چند گزینه در این زمینه وجود دارد. نخست انحطاط اجتماعی است. دوم فروپاشی نظام سیاسی است. بدترین اتفاق زمانی رخ می‌دهد که فروپاشی سیاسی رخ بدهد اما هیچ کس آماده فروپاشی نباشد. واقعیت این است که ما در وضعیت بی‌عملی قرار گرفته‌ایم و هیچ کس مسئولیت اقدامات خود را نمی‌پذیرد. امروز مسئول الودگی‌ها شهردار تهران است اما تنها کاری که می‌کند شعار داد و بکوب می‌دهد. این وضعیت درباره بحران آب و وزیر نیرو نیز وجود دارد که به جای اینکه مسئولیت بپذیرند به گردن دیگران می‌اندازند. به همین دلیل نیز ما در وضعیت بی‌تصمیمی و بلاتکلیفی قرار داریم و این بلاتکلیفی خطرات بسیار جدی می‌تواند به همراه داشته باشد و می‌تواند تا فروپاشی یا مخرجی خارجی امتداد داشته باشد.

**محمود صادقی:**

## مجلس ضعیف به مشروعیت قانون‌گذاری لطمه می‌زند

می‌کند و نسبت به رعایت مصلحت اظهار نظر می‌کند. البته از یک سو این محدودیت خود است. شورای نگهبان با آن موضوع به شکل ساختار یافته‌ای تبدیل شده و عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام که وظیفه تطبیق قوانین با سیاست‌های کلی را دارد هم استعلام می‌کند و این استعلام‌ها به نوعی به نظر شورای نگهبان ضمیمه می‌شود، این اقدام در واقع انحرافی از جایگاه شورای نگهبان است، شورای نگهبان حق ندارد وظیفه ندارد بر مصلحت بودن یا عدم مصلحت مصوبات مجلس اظهار نظر کند، درحالی که این کار را می‌کند و جلوی مصوبات مجلس را بعضاً می‌گیرد. وی تصریح کرد: اینکه در نهادهایی مثل دولت یا شورای عالی امنیت ملی، چنین وضعیتی پیش می‌آید منشاء آن به این دلیل است که مجلس ضعیف است و مشروعیت مردمی آن ضعیف است که این به مشروعیت قانون‌گذاری لطمه می‌زند.

باشد و این موضوع به نوعی مجلس را محدود می‌کند. البته از یک سو این محدودیت خود است. نهاد مجلس، نهاد شورای نگهبان و همچنین افزایش نمی‌دهد، اما از سوی دیگر، قیدی برای قانون‌گذاری در مجلس محسوب می‌شود. صادقی بیان کرد: برای ساماندهی وضعیت قانون‌گذاری، فکر می‌کنم سیاست کلی نظام قانون‌گذاری که در سال ۹۵ مصوب و ابلاغ شد، می‌تواند به ساماندهی و لفتان بیشتر در این زمینه کمک کند. از جمله مواردی که در این سیاست کلی آمده، رعایت اصول قانون‌نویسی و پرهیز از قوانین متعارض و تکراری و همچنین دخالت دادن دین‌فغان جامعه مدنی و صفوف در فرآیند قانون‌گذاری است. وی ادامه داد: ما برای بررسی چالش‌های قانون‌گذاری، چالش‌های نهادی را داریم که بعضاً در نظارت تقنینی شورای نگهبان بر مجلس گاهی بآن مواجه می‌شویم، شورای نگهبان گاهی فراتر از حد تعیین شده برای نهاد خود عمل

### گزارش

#### همگرایی ایران و روسیه در مقابل غرب

مسیر ترامپ راه تهران و مسکو را از هم جدا می‌کند؟

در شرایطی که نظم منطقه‌ای اوراسیا زیر فشار تحریم‌ها، جنگ‌ها و پروژه‌های ژئوپلیتیکی جدید در حال بازتعریف است، ایران و روسیه بار دیگر بر تقویت پیوندهای راهبردی خود تأکید کرده‌اند. توافق تازه دو کشور بر سر یک نقشه راه سه‌ساله، از همکاری در برابر تحریم‌های غرب تا توسعه زیرساخت‌ها را در بر می‌گیرد، اما هم‌زمان تحولات قفقاز جنوبی و طرح «مسیر ترامپ» پرسش‌هایی جدی درباره توازن منافع، رقابت‌های پنهان و آینده این شراکت راهبردی مطرح می‌کند.

#### نقشه راه سه‌ساله

المیادین مدعی شد: ایران و روسیه بر سر یک نقشه راه سه‌ساله به توافق رسیدند که هدف آن گسترش همکاری‌ها در برابر تحریم‌های غرب، توسعه زیرساخت‌ها و تقویت پیوندهای راهبردی میان دو کشور است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، از نهایی شدن یک توافق راهبردی با روسیه برای تقویت همکاری‌های دو جانبه، به‌ویژه در شرایط تداوم تحریم‌های غرب، خبر داد. عراقچی در پایان سفر رسمی خود به مسکو اعلام کرد که دو کشور بر سر یک نقشه راه سه‌ساله به توافق رسیدند که هدف آن ارتقای سطح هماهنگی و پیشبرد منافع مشترک در حوزه‌های مختلف است. او در پیامی در شبکه‌های اجتماعی ایکن نوشت: «بر اساس معاهده مشارکت راهبردی ایران و روسیه، وزارت‌های امور خارجه دو کشور بر سر یک نقشه راه سه‌ساله برای ارتقای همکاری‌ها و هماهنگی‌های دو جانبه به سطحی بالاتر به توافق رسیدند.»

اهداف متعددی را دنبال می‌کند: از جمله حمایت از ثبات منطقه‌ای، گسترش پروژه‌های زیرساختی و انرژی، و مقابله با اقدامات غیرقانونی در شورای امنیت سازمان ملل. او افزود: «همسایگان مادر امور خارجه روسیه نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که مقدمات برگزاری نوزدهمین نشست کمیته دائمی همکاری‌های تجاری و اقتصادی ایران و روسیه در حال انجام است؛ نشست که قرار است در فوریه ۲۰۲۶ در ایران برگزار شود. در این بیانیه آمده است که در طرف افزایش مبادلات تجاری دو جانبه و اجرای پروژه‌های بزرگ مشترک، به‌ویژه در بخش‌های انرژی و حمل‌ونقل، را در اولویت قرار داده‌اند. این نشست و توافق به منظور مقابله با «تحریم‌های غیرقانونی یک جانبه» تأکید شده است و هم‌زمان از پیشبرد پروژه‌های راهبردی مشترک سخن گفتند. لاوروف اعلام کرد که مسکو تهران را در یک مشترکی برای ایجاد یک سازوکار چند جانبه جهت مقابله با فشارهای تحریمی دست یافته‌اند. عراقچی نیز از دکترین «صلح از طریق زور» آمریکا انتقاد کرد و هشدار داد که این رویکرد تهدیدی جدی برای امنیت بین‌المللی است.

#### خط قرمز تهران

از سوی دیگر در مرزهای شمال غربی ایران، آمریکا در حال بررسی طرح «مسیر ترامپ» است که می‌تواند نقش ایران را در این موقعیت جغرافیایی کاهش دهد. از سوی دیگر خبرها حاکی از آن است که روسیه تمایل خواد برای مشارکت در این طرح را روز دوشنبه، علی‌اکبر ولایتی، مشاور ارشد رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌ا... علی خامنه‌ای، در دیدار با ریگور هاوکوبیان، سفیر ارمنستان در تهران، از «مسیر ترامپ» انتقاد کرد. او افزود که از نگاه ایران «مسیر ترامپ عملاً همان کریدور زنگرور است». ولایتی همچنین استدلال کرد که این مسیر می‌تواند به «حضور ناتو در شمال ایران» منجر شود؛ امری که به گفته او «خطرات امنیتی جدی برای شمال ایران و جنوب روسیه» به همراه خواهد داشت. پس از توافق بر سر مسیر ترامپ در ماه اوت ۲۰۲۵ در نشست واشنگتن، مقام‌های ایرانی چندین اظهار نظر به‌ظاهر متناقض درباره موضوع کشورشان نسبت به این پروژه مطرح کرده‌اند. اگرچه وزارت امور خارجه ارمنستان در پاسخ به پرسش‌ها از اظهار نظر مستقیم درباره موضوع ایران خودداری کرد و تنها اعلام کرد که متن منتشر شده از دیدار ولایتی و هاوکوبیان را بررسی خواهد کرد، روبن روبینیان، نایب‌رئیس پارلمان ارمنستان، به تکراری‌های تهران واکنش نشان داد و گفت ایروان «حساسیت‌های ایران را در نظر می‌گیرد و منافع این کشور به درستی لحاظ می‌شود.»

#### هم‌سویی یا واگرایی؟

هم‌زمان با ادامه بحث‌ها درباره تکراری‌های مجدد ایران، روسیه که از نشست واشنگتن و توافق‌های مرتبط با آن کنار گذاشته شده بود، نیز وارد این موضوع شد. میخائیل کالوگین، مدیر اداره چهارم وزارت امور خارجه روسیه در امور کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS)، آمادگی مسکو را برای گفت‌وگو درباره مشارکت احتمالی در مسیر ترامپ با ارمنستان اعلام کرد. کالوگین همچنین افزود که مسیر ترامپ از جنوب ارمنستان عبور خواهد کرد؛ منطقه‌ای که در آن، نیروهای مرزبانی مستقر هستند. او تأکید کرد: «عضویت ارمنستان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز باید در نظر گرفته شود. به روشنی، شرکای ما بدون روسیه نمی‌توانند کار را پیش ببرند.» طرح موضوع مشارکت در این مسیر از سوی تهران و مسکو در شرایطی مطرح می‌شود که ارمنستان و جمهوری آذربایجان به نظر می‌رسد به امضای یک توافق صلح نزدیک‌تر شده‌اند. در حالی که هنوز نشانه روشنی از زمان آغاز به‌برداری از مسیر ترامپ یا چگونگی توسعه آن وجود ندارد، نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، اوایل دسامبر اعلام کرد که شرکت در TRIPP که قرار است در ارمنستان به ثبت برسد.